



استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

شماره
۱۷۹

نشریه داخلی تهران بیستم مرداد ماه ۱۳۸۹ خورشیدی شماره ۱۷۹

به نام خداوند جان و خرد

جمهوری اسلامی و چالش های پیش رو

شهادت ۳۰ تیر حتی بدون فراخوان و دعوت عام بر نمیتابد و از آن ممانعت به عمل می آورد.

۳- بحران اقتصادی ناشی از کاهش تولید و عدم سرمایه گذاری و کارآفرینی که به طور عمده پی آمد مواضع سیاسی نادرست حاکمیت است البته سوء مدیریتها و فساد مالی و ندانم کاری ها و بردن ثروت های ملی به راه های ناصواب از عوامل دیگر ایجاد بحران در اقتصاد کشور است آشفتگی اقتصادی سبب بیکاری و فقر فزاینده، گرانی و تورم روزافزون همراه با رکود اقتصادی کم سابقه شده است و دولت حاکم این رکود و فلج اقتصادی را می خواهد کنترل تورم قلمداد نماید. دولت هیچ اراده استواری در اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها که خود مقدم به آن بوده است ندارد و تا کنون چند نوبت آن را به تعویق انداخته و در بلاتکلیفی مطلق به سر می برد و معلوم نیست با اعمال تحریم های اقتصادی که از طرف سازمان ملل متحد و دولت آمریکا و اتحادیه اروپا و دیگران برای ایران در نظر گرفته شده وضعیت اقتصادی کشور و سطح زندگی مردم تا کجا سقوط خواهد کرد.

۴- بحران قانون گریزی و بی اعتنائی به قانون اساسی پدیده ایست که هر روز شاهد آنیم. هیئت حاکمه جمهوری اسلامی که خود متولی قانون اساسی با تمام نواقص آنست و علی القاعده باید حداقل خودش حرمت آن را نگهدارد، خودش آن را در موارد عدیده نقض می نماید. حداقل موازین دموکراسی که استقلال قوای سه گانه است توسط صاحبان قدرت نادیده انگاشته می شود. مصوبات مجلس توسط قوه اجراییه کشور اجرا نشده و به آنها بی اعتنائی می شود. از طرف دیگر مجلس آن گونه مجلسی است که مصوبه قطعی خود را در ظرف چند روز لغو می کند. دستگاه قضائیه از استقلال یک دستگاه قضائیه مستقل بسیار فاصله دارد. این عدم استقلال به ویژه در دادگاه های انقلاب و در مورد متهمین سیاسی بسیار پر رنگ تر به چشم می خورد در مورد متهمین سیاسی دستگاه قضائیه زیر چنبره نفوذ و فشار دستگاه های اطلاعاتی امنیتی و تحت فرمان قوه مجریه قرار دارد. خلاصه آنکه در دایره تنگ خودی های باقیمانده درون نظام نیز کشمکش و تضاد و نزاع قدرت مشهود است. سرانجام این تنش ها و عواقب این چالش هایی که مقابل رژیم قرار دارد به کجا خواهد انجامید؟

حاکمیت جمهوری اسلامی در شرایط کنونی و در سی و دومین سال تشکیل شدن و به قدرت رسیدن خود با چالش های عدیده ای روبرو است که برخی از جدی ترین آنها از این قرار است:

۱- بحران سیاست خارجی و کشمکش با جامعه جهانی بر سر انرژی هسته ای که معالایه به صدور قطع نامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد و آغاز تحریم های بین المللی علیه ایران منجر گردیده است و بدنبال قطع نامه شورای امنیت، دولت آمریکا و کشورهای اروپائی و برخی کشورهای دیگر به طور جداگانه نیز تحریم هایی را برای ایران در نظر گرفته اند. بدیهیست که بی تدبیری و بدرفتاری و دشمن تراشی های بی مورد و ارزیابی های سیاسی نادرست حاکمان جمهوری اسلامی در پیدایش این بحران نقش چشم گیری ایفا کرده است و آنطور که آثار و قرائن نشان می دهند این بحران رو به صعود است و ظاهرا چشم انداز روشنی در فروکش کردن آن در افق دیده نمی شود. پرواضح است که افزایش این تنش ها در جهت حفظ منافع ملی ایران و حفظ استقلال و تمامیت ارضی این سرزمین نیست و ممکن است لطمات و صدمات جبران ناپذیری را متوجه منافع و حتی کیان ملی ایران نماید.

۲- چه صاحبان قدرت بپذیرند و چه نپذیرند بحران مشروعیت و مقبولیت از مهمترین چالش های موجود در مقابل آنهاست. امروز در هر کجا که حتی دو فرد ایرانی کنار هم بنشینند ماجرای سرکوبها و خشونتها و آنچه در زندانها و خیابانها، در بازارها و دانشگاه ها روی داده و می دهد اولین گفتگوی منتقدانه ایست که بین آنها رد و بدل می گردد اگر در سالهای گذشته تنها فعالان سیاسی و دگراندیشان زبان به اعتراض و انتقاد می گشودند و هزینه آن را می پرداختند از یک سال قبل اعتراض به نبودن آزادیها و پایمال شدن حقوق ملت جنبه عمومی و گسترده یافته و توده های وسیعی از مردم در این اعتراضات شرکت می کنند اجتماعات چند میلیونی مردم در اعتراض به نتیجه آخرین انتخابات ریاست جمهوری در سال گذشته نمونه بارز این واقعیت است. بدلیل همین بحران مقبولیت است که حاکمیت جمهوری اسلامی از دادن مجوز قانونی برای اجتماعات مردمی بیمناک است و آزادی احزاب و مطبوعات و سایر آزادیهای ملت را نادیده انگاشته و فقط به سیاست سرکوب و اعمال خشونت فزاینده روی آورده است تا جائیکه حضور اعضای شورای مرکزی جبهه ملی ایران را بر سر مزار

۱۴ مرداد سالروز انقلاب آزادی خواهانه مشروطیت را گرامی میداریم

نقض فاحش حقوق بشر در جمهوری اسلامی

خشونت بارتر همراه می آورد. برخورد و ممانعت با برگزاری مراسم یادبود روزهایی چون سی ام تیر، چهارده اسفند تصمیم دیگری است که ششورای امنیت ملی گرفته و نیروهای انتظامی مجری آنند. مرخصی آمدن زندانی را که آئین نامه های مشخص دارد با وثیقه های بسیار سنگین چند صد میلیونی و گاه میلیاردی همراه می کنند که عملاً زندانی نتواند از حق خود استفاده نماید بدرفتاری با خانواده زندانیان در دقایقی که پس از منتهای امید اجازه ملاقات در پشت میله ها داده اند ناقض آشکار حقوق انسانی است. در حالیکه برابر قوانین جاری در زندانهای ایران تنها برای انتقال مجرمین خطرناک از دستبند و پابند باید استفاده شود. اکثر زندانیان دگراندیش را برای بردن به دادگاه دست بند می زنند و در مواردی زندانی سیاسی را با دستبند و پابند به دادگاه می آورند که همراه با اعتراض شدید زندانی در بند و وکیل ایشان شده است. آمار دقیقی از تعداد زندانیان عقیدتی در سراسر ایران منتشر نشده است. امامی دانیم که هر حکم زندان تهدیدی است بر دوام خانواده زندانی، در خانواده های کارگران زندانی که با زندانی شدن سرپرست خانواده حقوق او قطع می شود فقر بسیاری از خانواده ها را به طلاق کشانده است و آمار طلاق بالاست و این بیانگر آن است که فقط فرد زندانی نیست که برای داشتن عقیده ای متفاوت با بر قدرت نشستن باید زندان را تحمل کند بلکه خانواده او هم محکوم به تلاشی هستند. مجامع بین المللی حقوق بشر بارها و بارها بر این امر اعتراض نموده اند اما کسی را پاسخگو نمی بینند و هر روز خبر از وضع اسف بارتر زندانیان سیاسی است. سخت شدن شرایط داخل زندان از نظر غذا، بهداشت و هم بند بودن با زندانیان غیر عقیدتی و سیاسی و طبقه بندی نکردن زندانیان سیاسی و عقیدتی با دیگران گاه آنچنان طاقت فرسایی می شود که زندانی اقدام به اعتصاب غذایی کند. ولی آنچه باید بدانیم این است که هر اندازه خشونت و فشار در جامعه با زندانی کردن دگراندیشان فرونی باید بن بست های جامعه بیشتر شده و راه بازگشت به تعادل و تعامل مسدود می گردد اگر بر سر کوب صاحبان عقیده تاکید شود این سرکوب گراندی که راه به جایی نبرده و از مردم دورتر می شوند آزادی زندانیان دگراندیش و عقیدتی جامعه را به سوی چند صدایی شدن خواهد برد و تنش ها خواهد کاست.

مخفی متعددی چون کهریزک ادامه دارد و کار بجایی رسید که پس از کشته شدن تنی چند زیر شکنجه در این مکانها، حکم به برچیدن یکی از این مراکز (کهریزک) داده شد و چندی پیش روزنامه ها خبر از محاکمه و محکوم شدن چند نفر در ارتباط با آنچه در این زندان شده است دادند. رفتارهای غیر انسانی و نقض کننده حقوق بشر و حرمت انسانها از سوی زندانبانان و اداره کنندگان زندان از صاحبان قدرت آگاه از آنچه می گذرد چهره ای نامبارک در برابر آذهان و افکار عمومی مردم جهان تصویر کرده است. اصلاح طلبان در دوره در اختیار داشتن ریاست جمهوری به ویژه در دوره اول زیر فشار افکار عمومی متأثر از شرایط جهانی تلاشی داشتند تا به جهانیان بنمایانند که قانون حاکم است و زمان بی قانونی و خشونت های بسیار آزار دهنده سر آمده و خشونت کم رنگ شده است. اما در دوره اول رئیس جمهوری اصول گرایان و ادامه آن با انتخاباتی مهندسی شده و خونین، امروزه اندیشه کاستن از خشونت در ارکان حکومت جایی ندارد. حضور سنگین و آشکار نیروهای انتظامی و امنیتی شهرهای بزرگ ایران را به صورت شهرهای اشغال شده توسط نیروهای بیگانه در آورده است. تشکیل دادگاههایی با حضور دهها متهم از کودکان تا کهنسال برای اقلای این نظر که اعتراض به انتخابات اخیر تحمل نمی شود. صدور احکامی که حقوقدانان آنرا متناسب با جرمهای اعلام شده در صورت صحت نمی دانند. کوشش برای تواب سازی چون سالهای دهه شصت، نشانه دیگری از نبودن تمایل به قانون گرایی و ناتوانی قوه قضائیه دارد. دادگاهها فرصت مناسبی پیدا کرده اند که احکام تعلیقی بسیاری را چون افرادی از مرکزیت ملی مذهبی ها به حکم تعذیری تبدیل و آنان را به زندان برای گذراندن دوران زندان احضار کنند و یکی از افراد آن گروه که در موقع نگارش این مطلب چند روزیست پس از خروج از محل کار مفقود شده است و عده ای بر آنند که او را دستگیر و به زندان فرستاده اند اما هنوز مسئولین زندانها این خبر را تایید نکرده اند. مسئولین حکومت از هر گونه اجتماعی ممانعت بعمل می آورند به نحوی که اگر حتی یک فرد غیر سیاسی زن، مرد، کودک فرقی نمی کند فوت نماید همراه اعدای یک مامور ملبس به پوشش بسیجی ها تا خاکسپاری حضور دارد تا اگر این عزا داران خیال دیگری داشتند به مامورین دیگر اطلاع داده و مانع شوند. حال جمع شدن در مکانی اگر دگراندیشی شناخته شده در میان آنها باشد قصه و حدیثی

ارزشهای جهان شمولی چون آزادیهای فردی و اجتماعی، آزادی احزاب، آزادی مطبوعات، آزادی انتخاب محل سکونت در کشور ایران به شدت مورد تهاجم قرار دارد و هر روز بیش از پیش پایمال یک سونگری قدرتمداران حاکم می شود. در هر گوشه جهان هنگامی که مردمی از نادیده گرفتن حقوق انسانی خود به فغان در می آیند و علیه ظلم و استبداد سر بلند می کنند و برای کسب حقوق از دست رفته به مبارزه می پردازند، نگاههای مردم جهان متوجه ایران می شود. ایران سرزمینی است که حقوق اولیه بشری در آن نادیده گرفته شده و می شود ایران را زندان روزنامه نگاران لقب داده اند. ایران را کشوری می دانند که در آن اعدام انسان (به نسبت جمعیت) بیشتر از دیگر کشورها جاری است. به بهانه انقلاب سال ۱۳۵۷ هنوز پس از سی و دو سال رئیس قوه مجریه بی قانونی را لازم می داند و رسماً می گوید: «نمی توان جمله انقلابی را با مدل دموکراسی اداره کرد» (به نقل از روزنامه شرق مورخ ۹ مرداد ۱۳۸۹) سه دهه بعد از انقلاب دادگاههای انقلاب هنوز بکار خود ادامه می دهد. چگونه می شود انقلابی سی و دو سال جریان داشته باشد؟ نسل مسئول انقلاب در دوره کهن سالیست و با حسرت به انقلاب و هدفهای تحقق نیافته آن چون آزادی نظاره می کنند. راههای نخست سال ۱۳۸۸ توهمی ایجاد شد که پس از سالها حاکمیت بر آنست تا حقوق ملت را پاس دارد و آزادیهای مردم را در یک انتخابات دموکراتیک فراهم سازد. ملتی می خواست، خوشبینانه استبداد تحمیلی به بهانه انقلاب را به فراموشی سپارد و با حضور در صحنه انتخابات فرصتی به صاحبان قدرت دهد تا بازگشتی از انحراف حاصل شود. دریغا که چنان نشد و برخورد های خشونت آمیز رنگ امید را از دلها شست و در میان بهت و حیرت همگانی ضربه ای سهمگین به امیدواران وارد شد و امروزه بعد از گذشت یکسال جامعه نتوانسته است از این ضربه وارده سر بلند کند و در حال گذر از این دوران است. شرکت مسالمت آمیز مردم در انتخابات دهها جانباخته و هزاران زندانی داشت. چندین هزار نفر در کوچه و خیابان و خانه و محل کار بازداشت و روانه زندانها شدند. زندانها پر شد و از هر مکانی بدون آنکه شرایط زندان را برابر تعریف آئین نامه های مربوط به زندانها داشته باشد برای نگاهداشتن دستگیر شدگان استفاده شد. برخورد ها بسیار خشونت آمیز در هنگام دستگیری که مردم جهان در فیلمها شاهد آن بودند شنیده شد که این خشونت در بازداشتگاههای

... رقیب نیز چنان محترم نخواهد ماند ...

یقین نمی دهم دیگر هیچوقت وکیل نشد سر دیری را از دست داد حتی مقالاتش را هم درج نکردند پس از یکی دو سال گوئی شخصی به نام فرامرز ی اصلا وجود نداشت و روزی در روزنامه ای خواندیم که بهرود حیات گفته است. شاعروان زیر کلاه امامی می دهد «استعمار و استبداد بر پایه ترور و وحشت استوارند کسانی که حتی یک روز بر ضد آنها قیام کرده اند مورد خشم و غضب خواهند بود و اگر بعضی ها کتار رفتند یا حتی به طرفشان برگشتند حاکم مجازاتی کمتر می یابند ولی در هر حال هیچوقت مورد اعتماد قرار نخواهند گرفت. بزرگترین باند این ماجرا (کودتای ۲۸ مرداد) محمد رضا شاه پهلوی است قبل از کودتا و وقایع ۲۵ و ۲۸ مرداد شاه ایران شاه ایران است، سلطنتش مشروعیت دارد حتی حزب توده در جلسات بحث و انتقاد و انتشارات و روزنامه های خود حزب را مشروطه طلب ذکر می کند». زنده یاد مهندس زیر کلاه از جمله رهبران نامدار و صاحب نظر حزب ایران و جبهه ملی ایران در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی معتقد به تفکر و انضباط علمی است و گفتنی است که او در سنین نوجوانی دارای اعتقالات شدید مذهبی بوده است و عاشق ایران و مسائل ایران بود و کلمات جاوید با ایران را از صمیم قلب بیان می کرده و آرزوهای بسیار در سر داشت یکی از مشخصات آن رهبر گرمی، اعتقاد به حکومت بر پایه سیستم دموکراسی است و همواره تاکید می کند که دموکراسی وقتی کمال است که در جامعه احزاب و تنوع عقاید وجود داشته باشد و الای دموکراسی بدون رشد احزاب همان استبداد است. دانش گرمی و روشن شادباد علاقمندان به سیاست ملی را به مطالعه کتاب پرسشهای بی پاسخ دعوت می کنیم.

از آنجا که انتشار این شماره بیام چه میله می ایران مصادف است با فاجعه ی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که آثار منفی فراوان در سرنوشت ملت ایران بر جای گذاشت مناسب است که از جمله شخصیت های مطرح در روزهای تارک کودتای معروف به سرانگ شاعروان مهندس احمد زیر کلاه برویم؛ زنده یاد زیر کلاه در روزهای ۲۵ و ۲۸ مرداد جزء اولین کسانی بود که در بازداشت کودتاجان قرار گرفت و چگونگی زنده ماندن از وقایع شنییدی است اما ما به مقدمات فراهم ساختن موجبات کودتاقناعت می کنیم که هیچ واقعه ای بدون علت اتفاق نمی افتد: شاعروان زیر کلاه در مورد مبارزات سیاسی که اکثریتی قبل توجه باید دست به دست هم دهند و تنها به تماشای صحنه های تلاش اکتفا ننمایند در کتاب «پرسشهای بی پاسخ در سالهای استثنائی» می نویسد: «در دوره هفدهم مقننه بر حوم فرامرز (عبدالرحمن فرامرز) در سرسرای مجلس برخورد کردم نمی دانم چه گفته یا نوشته بودم که رو به من کرد و گفت: زیر کلاه ترابه دار خواهند زد. گفتیم آقای فرامرز می من چنین سرنوشتی برای خود پیش بینی می کنم، ولی شما آنچه نمی دانید این است که آنروز یکمه مرابه دار زندش شما هم دیگر آقای فرامرز امروز نخواهید بود». فرامرز در آن روزها یکی از متولیان مجلس به شمار می رفت سلیقه و کالت مجلس را داشت از مخالفین نهضت آنحضرت ملی شدن نفت ایران بود ولی نیشهای هم به هیأت حاکمه می زد قلمی داشت در حملاتش به نهضت فاحشی و نالساگوئی نمی کرد شیوایی کلام و عفت قلمش باعث شده بود که من همیشه با احترام با او روبرو شوم سر دبیر روزنامه کیهان بود و گاه گاه هم مقالاتی در این روزنامه می نوشت. پس از ۲۸ مرداد به استثناء دوره هجده که به طور

واردات سود محور نابود کننده صنعت کشور

برنده وضعیت اضطراری ناشی از تحریمها و قطع رابطه عادی با دنیا؛ راه واردات بیش از سیصد میلیارد دلار کالا در پنجسال (با احتساب قاچاقها) باز هم به هر قیمت و هر مقدار و هر کجا بوده است. تاکتیک باند مافیایی برای آزاد گذاری رسمی واردات از یکطرف تبلیغ برای مهیا شدن برای عضویت در سازمان تجارت جهانی و ضرورت حذف موانع واردات یا آزاد سازی تجارت خارجی و از طرف دیگر حذف عملی کلیه دیوار دفاعی صنعت و توسعه صنعتی کشور که قبلا برای چند دهه برپا شده بود بوده است. مقرراتی مانند ضرورت ثبت سفارش، گشایش اعتبار، تعیین نوع خرید (نقدی، اعتباری)، هدایت جهت خرید، ممنوع کردن، سهمیه بندی (تعیین مقدار واردات بر حسب مقدار و یا ارز)، دادن یا ندادن ارز برای واردات و دهها مقررات دیگر که هر یک با هدفی معین و با انتظار تأثیری معین طی دهه ها برقرار شده بود و حداقل تا سال ۱۳۵۲ نتایج بسیار مطلوب ببار آورده بود به بهانه آزاد سازی و آماده شدن برای دادن درخواست عضویت در سازمان تجارت جهانی دروازه های کشور به روی کالاهای بنجل خارجی باز شده در صورتیکه حق صادرات برای ما بعد از عضویت و آنهم در مقابل گرفتن امتیاز مشابه و مساوی از طرف های تجاری کشور میسر است. سیاست بازرگانی بی بند و بار نه تنها منابع ارزی کشور را تضعیف و فرصت های بسیار گرانبهائی را از دست مدیران و صاحبان صنایع گرفته است بلکه به نابودی فرصت های تولید و اشتغال و ازدیاد درآمد در کلیه بخش ها مخصوصا صنعت و کشاورزی منجر شده است. واردات محصولات صنعتی بسیار پیش پا افتاده و بنجل ایران، مردم ایران و تجار ایرانی را به اسباب مضحکه ای در سطح جهانی تبدیل کرده است مقامی که دو دهه قبل به اعراب حاشیه خلیج فارس تعلق داشت. بعنوان مثال بازی با مقررات و قوانین در شرایط غفلت مجلس پر شده با نمایندگان کم اطلاع، به باند مافیایی بازرگانی داخلی و خارجی اجازه می دهد که در مدتی کوتاه تعرفه ۹۰ درصدی واردات میوه را با تصمیم دولت سود محور، به ۴۰ درصد و سپس به ۴ درصد کاهش دهند و بلافاصله هفته کشتی میوه را در شب عید در بنادر پیاده کنند تا به قول سخن گوین دولت مردم ایران، ضعفا و فقر شب عید در سر سفره خود مصرف دلارهای نفتی را ببینند. اما واقعیت ها سود حداقل چهار صد درصدی است که عاید باند مافیائی میوه شده است. در شش ماهه دوم سال ۱۳۸۸ حدود ۵۵۰ هزار تن میوه به ارزش ۲۶۰ میلیون دلار (با تعرفه بسیار پائین) وارد کشور شد یعنی یک کیلو میوه کمتر از شصت تومان هزینه داشت در حالیکه سیب، پرتقال، گلابی و انگور وارداتی از ۲ هزار تا شش هزار تومان بر سر سفره مصرف کننده رسید و با قیمت خرده فروش میوه ۱۶۰ درصد بیش از قیمت مصوب مقاماتی است که ظاهرا وظیفه تنظیم بازار را بر عهده دارند!

از دیاد بیکاری، رواج فقر، زیاد شدن اعتیاد، افزایش ارتکاب جرائم و پر شدن زندانها حاصل روی کار آورده شدن دولتی است که محور سیاست های آن سود رساندن به باند های مافیائی صاحب قدرت است به نظر مقامات دولتی تعطیلی صدها کارخانه در سراسر کشور کاملا طبیعی و تابع شرایط عرضه و تقاضا ناشی از امکانات ارزی یک کشور ثروتمند و مردم بی غم است!

در آموزش علم محدودیت های نژادی، ملی و دینی جایی ندارد

عنوان اجرای انقلاب فرهنگی، هجوم نیروهای نظامی به طور مکرر به دانشگاه و یا خوابگاههای دانشجویان، اخراج و بازداشت گسترده دانشجویان نمونه هائی از چگونگی برخورد حاکمیت با دانشگاه است. ولی تهاجم امروز رژیم به رشته های علوم انسانی و غیر اسلامی خواندن آنها تامل برانگیز است. برخی رشته های علوم انسانی مانند جامعه شناسی، فلسفه و حقوق، دانشجویان و دانش پژوهان را با مبانی دموکراسی و حقوق ملت ها و حقوق بشر در جهان امروز آشنا می سازد و این همان نکته ایست که این علوم را از نظر حاکمیت جمهوری اسلامی نامطلوب و غیر مفید و غریبی تعبیر میکنند. ولی پر واضح است که امروز علوم مختلف از جمله علوم انسانی جهانشمول بوده و هیچ انگ و برچسبی نباید دانش پژوهان این مرز و بوم را از آموختن علوم انسانی متعارف در جهان محروم نماید هر چند برای کشوری که توسعه نیافته ممکن است پیشرفت در علوم تجربی و علوم ریاضی بیشتر مورد نیاز باشد ولی آگاهی به علوم انسانی همانند سایر علوم برای نسل امروز و نسل های آینده کشور ضرورتی غیر قابل انکار است.

درخت تو گر بار دانش بر آرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را

در همه دنیا سیاست بازرگانی هر کشور بر محور کمک به رشد اقتصادی، ازدیاد اشتغال و درآمد مردم پایه ریزی می شود و واردات بر حسب کمک به توسعه صنعتی تنظیم و به کمک مقررات پولی و بانکی و ارزی و گمرکی هدایت می شود. سیصد سال پیش انگلستان پیشگام توسعه صنعتی جهان کلیه کسانی را که در امر مهاجرت یک استاد کار نساجی، صدور یک بوم پارچه بافی، صادرات پشم گوسفند انگلیسی دخالت داشتند، حتی کاپیتان کشتی، خدمه و باربرها و واسطه ها را به جریمه نقدی و حبس و حتی قطع دست چپ در ملاء عام در صورت تکرار جرم محکوم می کرد و با تسلط بر دریاها مواد اولیه مرغوب کلنی ها را با کشتی های انگلیسی برای صاحبان و مدیران صنایع وارد می کرد و نتیجه آن شد که در آغاز قرن هیجدهم و جنگ ناپلئون تمام اروپا محتاج کالاهای انگلیسی شد.

در کشور ما از زمان انقلاب ۱۳۵۷ و تسلط باند مافیائی واردات چپ و حاکم بر سیستم توزیع مملکت بر وزارت بازرگانی، اتاق بازرگانی، بنیاد ها و نهادهای انقلابی تازه تاسیس، سود جوئی آنهم سود هر چه زودتر و بیشتر هدف سیاست بازرگانی کشور شده است. از زمان گروگانگیری اشتباه آمیز و ویرانگر ایران که نفع آن عاید برخی از کشورها از جمله شوروی سابق و روسیه فعلی شده است و قبل از هر چیز جنگ هشت ساله صدام و دنیای عرب و غرب علیه ایران را به ارمان آورد تحریم اقتصادی ایران بهانه خرید از هر جا به هر مقدار و به هر قیمت و توزیع داخلی توسط وزارت بازرگانی و ایادی آن مخصوصا کمیته ها، مراکز تهیه و توزیع و مساجد و تعاونی های محل که کنترل و مدیریت همه آنها در اختیار واردات چپ های مافیائی و وابستگان آنها در حاکمیت قرار داشت، روش کار رایج شد و تقریبا ۱۲ سال از سیاست بازرگانی هدفمند احیاء کننده صنعت و تولید داخلی اشتغال زا را خبری نبود. شانزده سال دوره حکومت رفسنجانی و خاتمی (تا سال ۱۳۸۴) و طی سه برنامه توسعه اقتصادی پنجساله می رفت که ایران روابطی نسبتا عادی با دنیا پیدا کند و عواقب ناگوار گروگان گیری و انزوای اقتصادی و سیاسی را از چهره اقتصاد بشوید. ولی با روی کار آورده شدن دولت جدید از سال ۱۳۸۴ جهت گیریهای جدیدی بر پایه مقابله با دنیا و رجز خوانی باشعارهای بی محتوای عدالتخواهی در داخل و قدرت طلبی در سطح منطقه و حتی جهانی نه تنها روند تعادلی گذشته متوقف گردید بلکه آشفتگی زندگی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ملت با شدت بیشتری ادامه یافت و این سیاستهای خطرناک و ویرانگر امروز تاجایی ادامه یافته است که علاوه بر صدور قطعه نامه های مکرر در مراجع مربوطه بین المللی احتمال حمله نظامی به کشور و ویران کردن همه دسناوردهای زیربنایی و صنعتی گذشته دلسوزان ملت ایران را بوجود آورده است.

بزرگترین شانس دولت فعلی بالا رفتن قیمت نفت در سطح جهانی و تقریبا هفت برابر شدن درآمد سالانه نفتی دولت در مقایسه با سال ۱۳۸۰ میباشد. در پنج سال اخیر دولت بیش از سیصد و پنجاه میلیارد دلار درآمد نفتی (سه برابر دوره ۲۷ ساله رژیم سابق) داشته است و باند مافیائی مسلط بر وزارت بازرگانی، نهادهای و بنیادها و سیستم توزیع و اتاقهای بازرگانی و حتی مراکز خرید دولتی و بازارها، تنها

«علم» ثمره مقدس و محصول ارزشمند هزاران سال تفکر، تلاش و کوشش نوع بشر در روی کره خاک است،»

«علم» میوه درخت حیات انسان روی سیاره زمین است که با حذف و نادیده انگاشتن آن شجره زندگی بشر شاخه بی بار و بری بیش نیست.

«علم» مشعل روشنگری است که کوره راههای تنگ و تاریک جهالت و نادانی و بدویت را در پیش پای انسانها روشن و پیمودنی ساخته و طی قرون و اعصار هر روز فروش و درخشش آن افزون تر گشته است.

«علم» همان بالیست که بشر را به پرواز در آسمان ترقی و سعادت و رفاه رهنمون گشته است.

علم و دانش در هر زمان و در هر گوشه ای از کره زمین و توسط هر دانشمند و متفکری که عرضه شود موهبتیست متعلق به همه انسانها و همه جوامع بشری با هر ملیت و هر دین و آئینی که داشته باشند.

این حقیقتی است که علوم و دانش های مختلف از تمدن های کهن تر بشری آغاز شده اند اما در تکامل و پردازش تدریجی آنها همه جوامع بشری در حد خود و کم و بیش مشارکت داشته اند و آنچه امروز به دست آمده علم و دانش نوع بشر است و متعلق به همه انسانهاست.

امروز علوم انسانی، علوم تجربی، علوم ریاضی و سایر علوم و انواع هنرها جنبه فرامیلتی داشته و همه آنها فراگرفتنی برای تمام انسانها در تمام جوامع بشری است امروز به برکت پیشرفت علوم و دانش بشری، انتشار علوم و اطلاعات نیز به نحوی باور نکردنی تسهیل گشته و در کمترین زمان مرزهای جغرافیائی را در هم نوردیده و برای همگان قابل دسترسی می باشند و اگر در زمینه علوم مختلف حرفی برای گفتن وجود داشته باشد صرف نظر از ملیت و دین عرضه کننده آن نظریه به سرعت در جهان منتشر می شود و مورد نقد و بررسی و تحلیل قرار می گیرد و در جاده تکامل حرکت می کند. در جهان امروز در علم و دانش هیچگونه محدودیت نژادی، ملی و دینی پذیرفتنی نبوده و قابل طرح نیست، چگونه است که در این عصر و زمان حاکمان جمهوری اسلامی به تهاجم به رشته های علوم انسانی در دانشگاه ها پرداخته و از محدود کردن و تعطیل کردن این رشته ها سخن می گویند و این علوم را منبعث از اندیشه های غربی و غیر اسلامی تعریف می کنند. این حقیقتی است که حاکمان جمهوری اسلامی از آغاز نسبت به دانشگاه با دید سوء ظن و تردید نگرسته و نگاهی غیر دوستانه به آن داشته اند. انتخاب صحن دانشگاه برای اقامه نماز جمعه، تصفیه و اخراج گروه گروه استادان مجرب و ارزشمند که از اول انقلاب تا کنون ادامه دارد، تعطیل کردن دانشگاه بلافاصله بعد از انقلاب تحت

مقابله با تروریسم کور به بر خورد ریشه ای نیاز دارد

دیگر اقلیتهای غیر رسمی نیز می شود. بخصوص بار در نظر گرفتن این واقعیت که بیش از ۵ میلیون از شهروندان مرزنشین در بخش هایی از شرق و غرب کشور همراه با هموطنان طالش و ترکمن متصف به مذهب تسنن می باشند.

به همین جهت امروزه بسیاری از کشورها در پرتو تحولات و ضرورت های پیش آمده و ارزشهای جهانشمول روز و تعهدات بین الملل ناشی از آن اتصاف به مذهب رسمی را از قانون اساسی خود حذف نموده اند و برخی از لحاظ کاربردی در مقام تعدیل ارزشها و یا توقف آن برآمده اند. گذشته از بسیاری از کشورهای غربی به ویژه جوامع کاتولیک، برخی از جوامع اسلامی نیز در همین راستا گام برداشته اند و اقلیت های قومی، مذهبی و غیره نیز همانند سایر شهروندان در ساختار مدیریتی بالای کشور مشارکت پیدا کرده اند و بدینترتیب علائق، تعلقات و تعصبات محلی، قومی و ارزشی جای خود را به علائق و ارزشهای ملی داده است.

جبهه ملی ایران ضمن آنکه پدیده تروریسم به ویژه تروریسم کور را در هر شکل و به هر دلیل قویا محکوم می نماید ولی بر خورد ریشه ای با مبانی این معضل اجتماعی - سیاسی رانه تنها برای حفظ و یکپارچگی و وحدت تاریخی و ملی جامعه ضروری می داند، بلکه تحقق آن غنا و پویایی بیشتری به فرهنگ مشترک و تاریخی خواهد بخشید و جامعه را با تحولات سریع جهانی و ارزشهای جهانشمول آن هم سو و همراه می سازد.

به همین جهت همانند همه ایرانیان و انسانهای آزاده رویداد اندوهبار و خونبار بلوچستان را شدیداً محکوم و خود را در غم و اندوه بازماندگان این حادثه شوم و تلخناک شریک می داند ولی در عین حال نمی توان در سوء تدبیر در اتخاذ روشهای عجولانه از یکسو و عدم درک ضرورت تبدیل مانع به وسیله را برای حل معضل اجتماعی پیش آمده در رابطه با رویدادهایی از این قبیل از سوی دیگر نادیده گرفت.

ملت ایران و نیروهای ملی مذهبی و همچنین شخصیت های ادبی و فرهنگی شرکت داشتند در این مراسم چندین سخنرانی در تبیین شخصیت سیاسی، ادبی و فرهنگی استاد ادیب برومند و سوابق مبارزات آزادیخواهانه و میهن دوستانه ایشان در حزب ایران و جبهه ملی ایران صورت گرفت و هدایایی از طرف حاضران و لوح تهیه شده از طرف شورای مرکزی به ایشان تقدیم گردید.

دارد هر آن ممکن است در کنار رخدادها و شرایط تنش آفرین جدی به صورت بحران بالفعل در آمده و جامعه را گذشته از دگرگونیهایی داخلی با تعارضات خارجی روبرو سازد. در بروز چنین رویدادهایی کشورهای همسایه به ویژه آنهایی که قرابت مذهبی و زبانی با ساکنان مرزی کشور بحران زده دارند بر آن می شوند از حوادث پیش آمده در مقام بهره جویی برآیند و به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در تشدید آن نقش آفرین باشند. گویانکه ممکن است خود این همسایگان با مشکلاتی بس خطیر داخلی روبرو باشند با این حال در بهره جویی از بحران پیش آمده کوشا خواهند بود. در همین راستا نیز ممکن است برخی از قدرتهای فرامنطقه ای در مقام استفاده ابزاری از بحران پدیدار شده برآیند. مضافاً آنکه نهادهای بین المللی ذریبط نیز به استناد نقض فاحش حقوق اقلیت ها و غیره خود را در فرآیند بحران دیمدخل دانسته و بر همین اساس موضع گیری نمایند.

گویانکه انجام اقداماتی مانند اتخاذ سیاستهای تادیبی، تنبیهی و سخت افزاری برای رفع معضلات اجتماعی - سیاسی مورد بحث ممکن است در کوتاه مدت و به صورت مقطعی کار ساز باشد، ولی حلال واقعی این نقیصه ها و مشکلات ساختاری اجتماعی - سیاسی نخواهد بود. بلکه مصالح و منافع عمومی و بقای مملکت و ملت ایجاب می نماید که بر خورد ریشه ای از طریق زدودن مبانی این تفوق، جدایی و نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی انجام گیرد. گذشته از تفاوتها و نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی، یکی از مهمترین مبانی این اختلاف همانا تبعیضات فاحش مذهبی است. به ویژه وقتی مذهب اکثریت، بعنوان دین رسمی در نظر گرفته شود، بی شک فرآیندهای تبعیض آمیز در پی خواهد داشت و بخش قابل توجهی از شهروندان متصف به مذاهب غیر رسمی از مشارکت مؤثر در اداره عمومی جامعه و کسب مسئولیتهای خطیر در سطوح و مرتبت مدیریت جامعه محروم هستند. در جامعه ما، این محدودیتها و محرومیت ها تنها ناظر بر شهروندان ایرانی متصف به اقلیت دینی مانند زرتشتیان، یهودیان و مسیحی هانیست، بلکه شامل مذاهب و فرق اسلامی چون سنی ها، شیعیان زیدی، اسمعیلی، اهل الحق و

در شرایطی که سیاست خارجی با ناپسندانیهای جدی روبروست، بحران اجتماعی و سیاسی همچنان فرآیندهای تفوق زا و خشنوت بار خود را در پی دارد. تنگناهای اقتصادی اثرات روزافزون خود را آشکارتر می سازد و بالاخره بر خورد های گزینشی و سخت افزاری با بخشی از شهروندان و هموطنان مرزنشین غافل از تبعات زیانبار آن از جمله رخدادهای اسف بار و خونبار اخیر در جنوب شرقی کشور همه و همه هشدار دهنده پیامدهای نگران کننده ایست که بازنگری، بازاندیشی و از خود انتقادی جدی در رابطه با سیاستهای متخذه داخلی و خارجی روز را می طلبد. به ویژه در رابطه با واقعه بلوچستان ضرورت انتقاد از خود بیش از پیش ضروری به نظر می رسد. زیرا امروزه واقع بینان و آگاهان به ارزشهای جهانشمول نیک می دانند در جوامعی که متشکل از اقوام، تیره ها و مذاهب متنوع هستند، حفظ وحدت و یکپارچگی ملی و همچنین خیر و مصلحت عمومی ایجاب می نماید که ساختار سیاسی - اجتماعی و خط مشی نظام حاکمه عاری از هر گونه تبعیضات دینی و مذهبی، نابرابریهای اقتصادی - اجتماعی و محدودیتهای سیاسی باشد. به دیگر سخن تمامی شهروندان متصف به هر اعتقاد، عقیده، باور و مذهب همانطوریکه در قبال قانون برابرند، می بایست از فرصت ها و امکانات یکسان نیز بهره مند شوند و برای همگان امکان مشارکت در اداره امور عمومی جامعه و احراز مناصب و مسئولیت در هر سطح و مرتبت اجتماعی و سیاسی وجود داشته باشد.

بدیهی است وقتی جامعه ای دچار تبعیضات و نابرابریها در سطوح مختلف اجتماعی از جمله بین هموطنان مناطق مرزنشین و درونی کشور بوده و در رفع مبانی این نابرابریها بی تفاوت باشد، حاکی از بی توجهی نظام حاکم بر ایفای مسئولیت های تاریخی، ملی و انسانی است و از سوی دیگر نابرداری با تعهدات بین المللی و از جمله حقوق بشر و آزادیهای اساسی بدون هر گونه تبعیض از لحاظ جنس، زبان، رنگ، عقیده، نژاد و مذهب می باشد.

بی شک این مشکلات و معضلات اجتماعی - سیاسی که به صورت بحران بالقوه و در عین حال خفته و غنوده در ساختار جامعه وجود

هدیه جمهوری اسلامی به عراق

در خبرها آمده بود که هفتمین مدرسه از دوازده مدرسه اهدائی جمهوری اسلامی به عراق به مقام های این کشور تحویل داده شد این در حالیست که ایران از کمبود مدرسه و محدودیت های فضاهای آموزشی به شدت رنج می برد و در بعضی از مناطق کشور در اثر تنگنا و مضیق شدید کلاس های درسی از مدرسه ها حتی در ۳ نوبت در روز استفاده می شود و کلاس ها گنجایش لازم برای نشستن فرزندان این ملت را ندارد. این هدیه جمهوری اسلامی به عراق در شرایطی صورت می گیرد که هنوز صدها هزار خانواده ایرانی عزادار فرزندان برومند این سرزمین هستند که در دفاع از کشور در مقابل تجاوز عراق به این سرزمین و در آغاز کردن جنگ ۸ ساله با ایران جان خود را نثار کرده اند. این هدیه جمهوری اسلامی به عراق در حالی صورت می گیرد که عراق بعنوان آغازگر جنگ بنا بر مستندات و دلایل متقن میلیارد ها دلار بابت غرامت جنگ به ایران بدهکار است و متأسفانه اکنون که بیست و دو سال از

بزرگداشت استاد ادیب برومند

در روز جمعه ۸۹/۳/۲۸ به ابتکار سازمان دانش آموختگان جبهه ملی ایران مراسم بزرگداشت و تجلیل از آقای ادیب برومند با سابقه ترین عضو شورای مرکزی جبهه ملی در منزل ایشان برگزار گردید این مراسم به مناسبت هشتاد و ششمین سالروز تولد آقای عبدالعلی ادیب برومند رئیس شورای مرکزی و هیئت رهبری جبهه ملی ایران بر پا گردید که در آن علاوه بر جوانان بسیاری از شخصیت های سیاسی جبهه ملی، حزب

تجهمن ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا
www.jebhemelliran.org
E-mail: hejmi85@yahoo.com